

۲۰ درصد جمعیت جهان ۸۳ درصد منابع زمین را هدر می دهد

اجلاس جنوا؛

افزونی حرارت مخالفان

دکتر پیروز ایزدی

و اعتبار کشورهای عضو آن و میزان تأثیرگذاری شان بر سیاست و اقتصاد بین الملل و ایجاد رژیم های بین المللی و عقد موافقتنامه های مهم، این گروه به نحوی روزافزون در راه نهادینه شدن گام برمی دارد. از سوی دیگر، پدیده جهانی شدن که به دنبال وابستگی متقابل اقتصادی، اینک محور اصلی فعالیت های این گروه را تشکیل می دهد پیامدهای خود را به دنبال داشته و بیشتر به کشورهای فقیر آسیب وارد ساخته است. اگرچه مخالفان از طیف گسترده ای برخوردارند و بنابر وجهه نظر خاص خود با جنبه هایی از سیاست ها و خط مشی های کشورهای صنعتی پیشرفته مخالف هستند، با این حال تردیدی نیست که طیف وسیعی از مخالفان، معتقد به رفتار غیر دموکراتیک و ناعادلانه این گروه هستند. گزارش حاضر سعی دارد تا خواننده را با تاریخچه، اهداف، دستورکار و فعالیت های گروه هشت در پرتو پدیده جهانی شدن و خاستگاه و ماهیت مخالفان آن، آشنا سازد.

اشاره

اجلاس سران درجنوا، در سرسراها و سالن های پرنور و پر تشریفات چیز متفاوتی نبود، اما آنچه در بیرون اتفاق می افتاد تفاوت زیادی داشت: حرارت مخالفان در جنوا شتاب گرفته بود. و این تفاوت، در چالشی که فریدمن (نویسنده نیویورک تایمز) و رامونت (سر دبیر لوموند) در همان روزها با یکدیگر داشتند، آشکارا دیده شد.

اگرچه مخالفان روند جهانی شدن در جنوا فرصت مناسب تری برای مخالفت یافتند، با این حال این اجلاس برای مخالفان جهانی شدن به مثابه کانون اصلی بی عدالتی ها و هدر دادن منابع و تهدید «زمین معصوم» به حساب می آمد. از دیدگاه مخالفان، گروه ۷+۱ هر چه بیشتر در نقش «مرکز مدیریت جهانی» ظاهر می گردد و این ادعایی است که اکثر ناظران بین المللی آن را تأیید کرده اند.

با توجه سابقه برگزاری اجلاس های گروه ۷+۱ که اینک به یک ربع قرن می رسد و با در نظر داشتن وزن

مقدمه

اجلاس اخیر سران گروه هشت از ۲۰ تا ۲۲ ژوئیه سال جاری در شهر جنوا واقع در ایتالیا برگزار شد. گروه هشت که از بزرگترین کشورهای صنعتی جهان یعنی ایالات متحده، ژاپن، آلمان، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و کانادا و نیز روسیه تشکیل شده است، همه ساله نشست خود را در یکی از شهرهای کشورهای عضو برگزار می‌کند. ویژگی اجلاس اخیر تظاهراتی بود که در حاشیه آن صورت گرفت و به خشونت کشیده شد. گزارش حاضر با این قصد تهیه شده است که ضمن آشنا ساختن خوانندگان با تاریخچه تشکیل این گروه و اهداف و دستور کار آن، ماهیت و دیدگاه‌های مخالفان آن را نیز آشکار سازد. به اعتقاد برخی از صاحب نظران، گروه هشت در شرف تبدیل شدن به مرکز مدیریت جهانی است. در این گزارش امکانات این گروه برای نهادینه شدن و ایفای چنین نقشی نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تاریخچه

از سال ۱۹۷۵ همه ساله رؤسای کشورها و دموکراسی‌های صنعتی بزرگ گرد هم می‌آیند تا به موضوعات عمده سیاسی و اقتصادی مبتلا به جوامع داخلی‌شان به طور اخص و جامعه جهانی به طور اعم بپردازند. در نخستین اجلاس که در سال ۱۹۷۵ در رامبویه (Rambouillet) در فرانسه برگزار شد تنها شش کشور حضور داشتند که عبارت بودند از فرانسه، ایالات

متحده، بریتانیا، آلمان، ژاپن و ایتالیا. شاید انگیزه برگزاری چنین اجلاسی در آن زمان بحران انرژی و رکود اقتصادی ناشی از آن بوده باشد. به هر حال، برگزاری این اجلاس‌ها تداوم یافت و با گذر زمان شاهد پیوستن دو کشور دیگر و قرار گرفتن موضوعات دیگر در برنامه کار آن بود؛ به گونه‌ای که در دومین اجلاس که در سال ۱۹۷۶ در سان خوان، پورتوریکو برگزار شد، کانادا به این مجمع پیوست و در سال ۱۹۹۱ نیز روسیه به طور غیر رسمی در مباحث غیر اقتصادی اجلاس پذیرفته شد و از سال ۱۹۹۴ شرکت آن صورتی دائمی به خود گرفت و گروه هفت به گروه هشت تبدیل شد. البته لازم به ذکر است که روسیه همچنان تنها در مباحث سیاسی و یا غیر اقتصادی اجلاس سران شرکت می‌جوید و به همین دلیل گاه اجلاس سران کشورهای صنعتی بزرگ جهان به صورت گروه هفت/هشت مورد اشاره قرار می‌گیرد. با گذشت زمان، دامنه موضوعات مورد بحث در این اجلاس‌ها نیز گسترش یافت و موضوعاتی نظیر محیط زیست، تطهیر پول‌های کثیف و مسائل مربوط به بهداشت جهانی را در بر گرفت.

اجلاس سران گروه هفت/هشت فرصتی ارزشمند برای رهبران پر مشغله کشورهای صنعتی پیشرفته برای بحث پیرامون مسائل بین‌المللی عمده و اغلب پیچیده و نیز ایجاد روابط شخصی با یکدیگر فراهم می‌آورد تا بتوانند به شکل جمعی و موثر به مقابله با بحران‌ها و یا

شوک‌های ناگهانی پردازند. اجلاس سران کشورهای صنعتی همچنین با تعیین اولویت‌ها، تعریف موضوعات جدید و ارائه رهنمود به سازمان‌های بین‌المللی به هدایت جامعه بین‌المللی می‌پردازد. گاه تصمیمات اتخاذ شده به مشکلات فوری و عاجل پرداخته‌اند و گاه نیز به شکلی کلی‌تر، نظم بین‌المللی را شکل داده‌اند. تصمیمات اتخاذ شده در جریان این اجلاس‌ها به ویژه در مواردی که منجر به عقد موافقتنامه‌هایی در زمینه تجارت بین‌المللی و انرژی گردیده از جانب کشورهایمانند بریتانیا، کانادا و آلمان به طور کامل رعایت می‌شود. اغلب این تصمیمات به ایجاد رژیم‌های بین‌المللی برای مقابله با چالش‌های جدید بین‌المللی منتهی می‌گردد و باعث تسریع کار، احیا و اصلاح نهادهای بین‌المللی موجود می‌شود. اهمیت تصمیمات اتخاذ شده توسط این کشورها هنگامی روشن‌تر می‌گردد که توجه داشته باشیم که آنها از قدرت اقتصادی و نظامی بی‌همتایی در سطح جهان برخوردارند.

از همین رو، این اجلاس‌ها ظرفیت لازم برای نهادینه شدن و تبدیل به مرکز مدیریت بین‌المللی (global governance) را یافته‌اند و کشورهای زیادی در پی پیوستن به این باشگاه انحصاری و قدرتمند هستند.

- الف- هماهنگی اقتصادی و پولی؛
- ب- همکاری‌های تجاری؛
- ج- همکاری‌های سیاسی و امنیتی.

الف- هماهنگی اقتصادی و پولی

هماهنگ سازی سیاست‌های پولی با هدف تشویق رشد اقتصادی پایدار و مستمر از طریق تثبیت نرخ‌های مبادله ارز در زمره اهدافی بوده است که وزرای دارایی هفت کشور صنعتی همواره دنبال می‌کرده‌اند. در اجلاس گروه هفت که در سال ۱۹۸۶ در توکیو برگزار شد تصمیم گرفته شد که وزرای دارایی و روسای بانک‌های مرکزی هفت کشور به طور منظم گردهمایی داشته باشند.

اهداف و دستور کار

اجلاس سران کشورهای صنعتی پیشرفته از ابتدای شروع به کار خود اهدافی را در زمینه



اقتصادی و پولی در پی به دست گرفتن رهبری و جلوگیری از بحران‌های مالی جهانی و یا در صورت وقوع چنین بحران‌هایی، ارائه راه‌حل برای آنها هستند.

ب- همکاری‌های تجاری

هفت کشور صنعتی بزرگ جهان از آغاز برگزاری اجلاس‌های خود به همکاری در زمینه ایجاد یک نظام تجارت جهانی لیبرال متعهد بوده‌اند. با این حال، تلاش‌های آنها در اجرای سیاست‌های تجاری مشترک با انتقادات شدیدی به دلیل عدم کارآمدی این سیاست‌ها مواجه شده است. در حالی که اجلاس سران کشورهای صنعتی انگیزه‌های لازم را برای آغاز مذاکرات تجاری چندجانبه در چارچوب گات و یا سازمان تجارت جهانی فراهم کرد اما تأثیر مستقیم چندانی در به نتیجه رسیدن موفقیت‌آمیز این مذاکرات نداشت؛ چرا که به قول یکی از صاحب‌نظران فاصله میان تبادل نظرهای استراتژیک و در سطح کلان اجلاس و مباحث پیچیده، جزئی و فنی مذاکره‌کنندگان برای توافق بر سر ترتیبات تجاری بسیار زیاد بود.

در واقع، اجلاس سران کشورهای صنعتی در اعلامیه‌های خود بر ضرورت تکمیل مذاکرات دور توکیو گات از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۸ و نیز پیشرفت در مذاکرات دور اروگوئه گات از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ پا فشاری نمودند. علت عمده روند کُند این مذاکرات اختلاف نظر میان اروپا و آمریکا بود. کشورهای صنعتی در اجلاس

مقابله با بحران‌های مالی جهانی در زمره دل مشغولی‌های اجلاس سران کشورهای صنعتی قرار داشته است. به ویژه بحران مالی آسیا توجه این اجلاس را به خود جلب کرد به طوری که وزرای دارایی هفت کشور صنعتی در گردهمایی خود در ۱۹۹۸ در لندن با اشاره به نقش نهادهای بین‌المللی بیان داشتند که «حوادث اخیر در آسیا همراه با جهانی شدن سریع بخش مالی بار دیگر بر نیاز به همکاری بیشتر میان ناظران نهادهای مالی فعال در سطح بین‌المللی تأکید می‌ورزد. آنان توصیه‌هایی برای بنای یک نظم جدید به عمل آوردند که شامل شفافیت بیشتر عملکرد نهادهای مالی بین‌المللی و گردآوری داده‌های اقتصادی صحیح می‌شد؛ موضوعاتی که در اجلاس گروه هشت که در همان سال در بیرمنگام برگزار شد، مورد تأیید قرار گرفت.

وزرای دارایی کشورهای گروه هفت بر ادامه همکاری‌ها تأکید کردند و در برابر هر گونه اقدام یک جانبه برای رسیدگی به بدهی دولت‌ها هشدار دادند. آنان از یک رهیافت مبتنی بر همکاری بین‌المللی برای حمایت از کشورهای پشتیبانی‌کردند که به واسطه تحولات اخیر در بازارهای جهانی صدمه دیده بودند و در حال اجرای برنامه‌های اقتصادی سختگیرانه بودند. متعاقباً تونی بلر نخست وزیر بریتانیا خواستار انجام تغییرات فوری در نظام مالی بین‌المللی گردید.

کشورهای گروه هفت در زمینه امور

سران اتاوا در سال ۱۹۸۱ با تشکیل هیأت چهار جانبه وزرای تجارت و بازرگانی که از وزرای تجارت و بازرگانی آمریکا، کانادا، ژاپن و کمیسیونر اتحادیه اروپا تشکیل می شد محفلی برای بحث پیرامون مسائل مربوط به تجارت به وجود آوردند. این هیأت چهارجانبه نقشی اساسی در به ثمر رساندن مذاکرات دور اروگوئه ایفا کرد.

اجلاس گروه هفت هشت طی فعالیت خود در سه دهه اخیر در زمینه های سیاسی و امنیتی، اهداف و وظایف زیر را تعقیب کرده است:

الف- حفاظت از اعضا در برابر تهدیدات داخلی:

اقداماتی که در این زمینه انجام گرفته اند شامل مقابله با تهدید کمونیسم اروپایی در ایتالیا در سال ۱۹۷۶ و استقرار بیش از حد شوروی از بانک های گروه هفت در همان سال بود.

همچنین اعطای کمک های مالی عمده به اتحاد شوروی در دوره زمامداری گورباچف و به روسیه در دوره ریاست جمهوری یلتسین و مشارکت دادن روسیه در اجلاس سران در راستای حفظ حرکت این کشور به سوی دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد.

ب- حفاظت از شهروندان کشورهای عضو در برابر تهدیدات فراملی یا جهانی: این گونه

تهدیدات در واقع نسبت به مشروعیت و حاکمیت دولت ها صورت می گیرند و گروه هفت برای مقابله با آنها تدابیری اندیشیده است از جمله موافقتنامه ای که به ابتکار کانادایی ها در مورد بُعد هواپیمارمایی تروریسم در اجلاس سران سران گروه هفت در بن در سال ۱۹۷۸ طرح گردید؛ رسیدگی به مسئله مهاجرت های

اعضای گروه هشت، سازمان تجارت جهانی (WTO)، جانشین گات، را به عنوان مکان اصلی برای مذاکره پیرامون سیاست های تجاری چندجانبه و اجرای این سیاست ها و نیز حل اختلافات تجاری به رسمیت شناخته اند.

ج- همکاری های سیاسی و امنیتی

از آنجا که گروه هفت از ابتدا برای بحث پیرامون موضوعات اقتصادی و پولی شکل گرفته بود، در مراحل اولیه کار خود به بحث آشکار پیرامون موضوعات سیاسی و یا امنیتی و یا صدور اعلامیه در مورد آنها نمی پرداخت. با این حال، وابستگی متقابل موضوعات اقتصادی و سیاسی به زودی گروه هفت را متقاعد ساخت تا این دو حوزه را نیز در برنامه کار خود بگنجانند.

در دهه ۱۹۷۰ یعنی زمان برگزاری نخستین اجلاس های سران گروه هفت تهدیداتی که متوجه منافع غرب بودند از «شرق» و «جنوب» ناشی می شدند. مسائلی که باعث نگرانی عمده در آن زمان شده بودند، عبارت بودند از شکست ایالات متحده در ویتنام به دنبال



ناخواسته (مشخصاً پناهندگان هند و چین) در سال ۱۹۷۹؛ مقابله با استفاده احتمالی گروه‌های تروریستی از سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۸۶؛ و نیز مسائل زیست محیطی جهانی، مقابله با بیماری‌های عفونی مانند ایدز، قاچاق مواد مخدر و تطهیر پول‌های کثیف، جرایم فراملیتی و قاچاق اسلحه و مواد هسته‌ای.

ج- حمایت از نظم موجود: حمایت از حفظ مرزهای موجود بین دولت‌ها، موازنه تسلیحاتی و هنجارهای اصلی حاکم بر جامعه جهانی اجزای عمده این هدف و وظیفه را تشکیل می‌دهند. این مهم از طریق مقابله با اقدامات یک جانبه‌ای صورت می‌گیرد که از سوی قدرت‌های بزرگ و یا سایر قدرت‌ها جهت برهم زدن این نظم درپیش گرفته می‌شود. اعلامیه‌های صادره از جانب گروه هفت در اجلاس سال ۱۹۸۰ در مورد افغانستان و گروگانگیری دیپلمات‌ها و نیز اقدام شدید در سال ۱۹۹۰ علیه عراق که به جنگ خلیج فارس منتهی شد از جمله اقداماتی بودند که در این راستا صورت گرفتند. همچنین گروه هفت ادامه تصاحب جزایر کوریل توسط شوروی را که به زور در جریان جنگ دوم آنها را اشغال کرده بود را غیر قابل پذیرش تلقی کرد و برحق مالکیت ژاپن نسبت به این جزایر صحه گذاشت. در اجلاس سران در سال ۱۹۹۱ در لندن نیز تدابیری برای مقابله با گسترش سلاح‌های متعارفی اندیشیده شد.

د- محدود ساختن منازعات منطقه‌ای: جلوگیری از گسترش دامنه منازعات منطقه‌ای و

درگیر شدن قدرت‌های بزرگ در آنها، امری که می‌تواند منجر به ضربه زدن به نظم موجود و یا تهدید جامعه جهانی گردد. در این زمینه برای نخستین بار در اجلاس ورسای در سال ۱۹۸۲ در رابطه با درگیری بر سر جزایر فاکلند و جنگ در لبنان اعلامیه‌ای صادر گردید. در سال ۱۹۸۴ موضوع جنگ ایران و عراق و در سال ۱۹۸۷ مسئله امنیت خلیج فارس به طور اعم وارد دستور کار شد. در سال ۱۹۸۸ نیز مسئله کامبوج مطرح گردید. در سال‌های اخیر نیز موضوعات مربوط به بوسنی، خاورمیانه و دو کره بارها مورد بحث و مذاکره قرار گرفته‌اند.

ه- ترویج ارزش‌های دموکراتیک: اجلاس سران گروه هفت در بن در سال ۱۹۸۵ آغازگر تأکید بر ترویج ارزش‌های دموکراتیک در سرتاسر جهان بود. توصیه‌های گروه هفت به رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی و اتخاذ اقداماتی علیه آن کشور و محکوم ساختن چین به دنبال وقایع میدان تین آن من در زمره مواردی قرار دارند که مورد توجه قرار گرفته‌اند.

گروه هشت بدین ترتیب محفلی است که در آن قدرت‌های سنتی بزرگ جهان در مورد قواعدی برای مدیریت جمعی مسائل منطقه‌ای به اجماع می‌رسند و در نتیجه این مسائل را از حوزه نفوذ تنهایی قدرت خارج می‌کنند و یا از صحنه رقابت تعریف نشده قدرت‌های رقیب دورنگه می‌دارند.

فرآیند جهانی شدن و گروه هشت

چنان‌که گفته شد گروه هفت / هشت به تدریج

بسیاری از کشورها در شرق آسیا این امر را به نمایش گذاشته‌اند. اما جهانی شدن ممکن است شرایط بدتری برای کشورهای فقیر، دارای سازماندهی ضعیف و کم منبع پدید آورد و آنها را بیش از پیش از قافله دیگر کشورها عقب بیندازد. از این رو، باید با این روند مقابله کرد و شرایطی فراهم آورد تا کشورهای فقیر نیز از جهانی شدن منتفع گردند.

رهبران کشورهای صنعتی پیشرفته در شناخت ماهیت جهانی شدن به اندازه جامعه دانشگاهی سرعت عمل نداشته‌اند. اما از زمانی که شناخت کافی در مورد این پدیده به دست آوردند، به ویژه از زمان برگزاری اجلاس ناپل در ۱۹۹۴ اقداماتی در جهت کاستن از اثرات سوء این پدیده صورت داده‌اند و در پنج حوزه زیر به فعالیت دست زده‌اند:

الف- شناخت تأثیرات جهانی شدن بر کشورهای جنوب؛

ب- سیاست‌های تجاری؛

ج- کاستن از بار بدهی‌ها؛

د- موضوعات وسیع‌تر توسعه؛

ه- تماس بین گروه هفت و کشورهای جنوب. حال با مروری بر این اقدامات نقاط قوت و ضعف آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- شناخت تأثیرات جهانی شدن در کشورهای جنوب

در پاسخ به نیازهای جدید پدید آمده بر اثر جهانی شدن، ضرورت بازنگری در نهادهای

از ابتدای برگزاری اجلاس‌های خود در سطح سران به طور کلی سه هدف زیر یعنی:

الف- مدیریت جمعی اقتصاد جهانی؛

ب- کاهش تنش‌های ناشی از وابستگی متقابل؛

ج- ایجاد رهبری سیاسی

را به عنوان راهنمای کار خود قرارداد. نکته‌ای که در این میان قابل توجه است این است که در ابتدا فرض بر این بود که وابستگی متقابل اقتصادی به این دلیل که موجب نفوذ فزاینده عوامل خارجی در سیاست‌های اقتصادی داخلی می‌شود تنش‌هایی را ایجاد می‌کند که باید برای کاهش و یا از میان بردن آنها راه کارهایی ارائه داد. اینک با آزاد شدن هر چه بیشتر جریان کالا و سرمایه در سطح جهان و نیز گسترش روزافزون ارتباطات، پدیده جهانی شدن جای وابستگی متقابل اقتصادی را گرفته است.

جهانی شدن تأثیری اساسی از دو جهت بر روابط بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه یعنی «شمال» و «جنوب» بجا نهاده است:

۱- نخست اینکه جهانی شدن بدین معناست که کلیه کشورها اعم از کوچک و بزرگ یا فقیر و غنی اینک در زمره بازیگران نظام اقتصادی بین‌المللی به شمار می‌روند. بنابراین، نهادهای بین‌المللی باید پاسخگوی نیازها و امیال کلیه اعضای خود و نه برخی از آنها باشند.

۲- جهانی شدن به کشورهای دارای درآمد متوسط کمک می‌کند که راه ترقی را ببینند و این فرصت را در اختیار آنها می‌گذارد تا خود را به سطح اقتصادهای صنعتی پیشرفته برسانند.

مدیر کل سازمان تجارت جهانی در اجلاس لیون در سال ۱۹۹۶ پیشنهاد کرده بود که هفت کشور صنعتی باید واردات محصولات کشورهای کم توسعه یافته را از عوارض گمرکی و رعایت سهمیه‌ها معاف کنند؛ لازم به ذکر است که جریان کالا از این کشورها به سوی بازارهای جهانی تنها ۰/۵ درصد تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد. گروه هفت از این فکر حمایت کرد اما هیچ اتفاقی نیفتاد. در اجلاس اوکیناوا در واکنش نسبت به شکست اجلاس سازمان تجارت جهانی در سیاتل تعهدات جدی‌تری صورت گرفت که منجر به بعضی اقدامات شد. اتحادیه اروپا اجازه داد کلیه محصولات کشورهای کم توسعه یافته بدون هیچ‌گونه اخذ عوارض گمرکی و یارعت سهمیه‌های خاص وارد بازارهای اتحادیه شوند. تنها استثنائات در این میان عبارت‌اند از اسلحه، شکر، برنج و موز. در همین حال، هیچ‌گونه اقدام مشابهی از جانب ایالات متحده، ژاپن و کانادا صورت نگرفته است.

ج- کاستن از بار بدهی‌ها

عملکرد اجلاس‌های سران در زمینه امور مالی بهتر از امور بازرگانی بوده است. در هالیفاکس در سال ۱۹۹۵، در بیرمنگام در سال ۱۹۹۸ و در کلن در سال ۱۹۹۹، رهبران گروه هفت در واکنش نسبت به بحران مکزیکی، شرق آسیا، روسیه و برزیل، وزرای دارایی خود را مأمور تدوین و طراحی اصلاحاتی در ساختار مالی بین‌المللی

بین‌المللی در اجلاس سران هالیفاکس در سال ۱۹۹۵ مورد توجه قرار گرفت. سال بعد، ژاک شیراک موضوع اصلی اجلاس سران در لیون را توسعه قرارداد و از روسای صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی (WTO) و سازمان ملل متحد دعوت نمود تا بارهبران کشورهای صنعتی پیشرفته ملاقات کنند. بیل کلینتون نیز اجلاس سران در دنور در سال ۱۹۹۷ را بر مسائل آفریقا متمرکز ساخت. اما در عمل سیاست‌های توسعه هفت کشور صنعتی بزرگ جهان در این راستا حرکت نکرد. برای مثال، در دهه ۱۹۹۰ جریان کمک به کشورهای در حال توسعه کاهش یافت. پیشنهادهای کلینتون در زمینه کمک به آفریقا با مقاومت شدید در کنگره روبرو شد، به طوری که تا اوائل سال ۲۰۰۰ به مورد اجرا در نیامد.

ب- سیاست تجاری

پیشنهاد برگزاری دور جدید مذاکرات تجاری برای پاسخگویی بیشتر به نیازهای کشورهای در حال توسعه به دلیل وجود اختلاف نظر میان آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به جایی نرسیده است. سال گذشته در اجلاس سران در اوکیناوا این موضوع همچنان به دلیل نزدیک بودن انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا حل نشده باقی ماند. نکته مهم در اینجا عبارت از این است که موافقت نامه‌های دور اروگوئه به کشورهای غنی بیش از کشورهای فقیر کمک کرده است. رناتو روگیرو (Renato Ruggiero)

بدهی ها نیز همچنان فقیر هستند. اجلاس سران گروه هشت لازم است تا به دستور کار وسیع تر توسعه که پس از اجلاس دنور در ۱۹۹۷ کم رنگ تر شده است مجدداً رجوع کند. از آن زمان تاکنون دو تغییر عمده بر سیاست های توسعه تأثیر نهاده اند. - نخست این که آشکار شده است که

سیاست های توسعه تنها زمانی موثر واقع می شوند که کشورهای فقیر این سیاست ها را از آن خود بدانند. به عبارت دیگر، آنها باید نسبت به استراتژی توسعه خود احساس مالکیت داشته باشند نه این که آن را تحمیل شده از خارج تلقی کنند.

- دوم اینکه به جای به حساب آوردن درونداها مانند جریان کمک ها و یا سرمایه گذاری های خارجی گرایش به سوی محاسبه برونداها پدید آمده است مانند شمار افرادی که در فقر مفرط به سر می برند، یا کمتر از یک دلار در روز درآمد دارند و یا کودکانی که دوران نوزادی را پشت سر می گذارند و یا به مدرسه می روند. اهدافی برای پیشرفت در این زمینه ها بین سال های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ تعیین شده است. گزارش های موقت در سال ۲۰۰۰ نشان دادند که با توجه به روندهای کنونی، احتمال نمی رود که به هیچ یک از این اهداف دست یافته شود. شرق آسیا عملکرد بسیار خوبی داشته است، اما قسمت اعظم قاره آفریقا چندان تکانی نخورده است. در همین راستا، اجلاس اوکیناوا در سال ۲۰۰۰ بر سه موضوع تأکید کرد: - انتشار فناوری اطلاعات (IT) جهت تسریع

کردند. این اصلاحات به کُندی تأثیرگذار گردیدند و به لحاظ دامنه اندکی دارای ابهام بودند. اما در مدت دو سال آرامش را به نظام بازگرداندند و موفق شدند تهدیدات کنونی را که متوجه ترکیه و آرژانتین بودند به خوبی تحت کنترل در آورند.

رهبران هفت کشور صنعتی به ابتکارات شخصی برای کاستن از بدهی های کشورهای فقیر دست زده اند، این امر به اجلاس سران تورنتو در سال ۱۹۸۸ برمی گردد. بریتانیا و کانادا در این زمینه پیشگام بودند. ابتکارات اولیه تنها به کاستن از بدهی هایی مربوط می شد که کشورهای «جنوب» به دولت ها داشتند. دستاورد اصلی اجلاس سران لیون برنامه کشورهای فقیر بسیار مقروض بود که کاستن از بدهی های مربوط به نهادهایی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را مدنظر قرارداد. در اجلاس کلن نیز این موضوع به طور جدی مورد بررسی قرار گرفت.

در زمینه کاستن از بدهی کشورهای فقیر کشورهای گروه هفت موفق تر عمل کردند و بسیاری از کشورهای فقیر از سیاست های آنها منتفع گردیدند و اکثر کشورهایی که نفعی از این سیاست ها نبردند دچار جنگ داخلی بودند.

د- دستور کار وسیع تر توسعه

علی رغم عملکرد موفق کشورهای صنعتی بزرگ در زمینه کاستن از بدهی های کشورهای فقیر این کشورها حتی در صورت بخشودگی

هشت نیز نمی‌تواند خود را از این تغییر برکنار نگه دارد. آنان ناگزیر از آن هستند که به مسائل مربوط به باقی جهان نیز بپردازند. اجلاس اوکیناوا خواستار مشارکت جدید با کشورهای غیر عضو گروه هشت به ویژه کشورهای در حال توسعه، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی شد، بی‌آن‌که راه کارهای اجرایی برای این امر ارائه دهد.

خلاصه این که هفت کشور صنعتی بزرگ به این واقعیت پی برده‌اند که جهانی شدن نیازهای جدیدی را برای آنها در سطوح داخلی و بین‌المللی پدید آورده است. آنها برای بهره‌گیری از ثمرات جهانی شدن نیاز به اقتصادهای بازار پویا و رقابتی دارند، اما این کافی نیست. آنها همچنین نیاز به مداخله برای وضع و اجرای مقرراتی برای آن بازارها و کمک به کشورهای ضعیفی دارند که جهانی شدن باعث عقب افتادگی و به حاشیه کشانده شدن آنها گردیده است. در این میان گروهی بر این عقیده‌اند که کشورهای صنعتی پیشرفته در راهی گام برمی‌دارند که هر روز فاصله آنها را با کشورهای فقیر بیشتر می‌کند و روند جهانی شدن به سویی پیش می‌رود که تنها کشورهای ثروتمند از آن بهره‌مند می‌گردند.

دیدگاه‌های مخالفان

مخالفان گروه هشت بر این باورند که اجلاس سران گروه هشت اساساً ماهیتی غیر دموکراتیک دارد چرا که کشورهای ثروتمند جهان در آن تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که بر سرنوشت اکثریت

توسعه؛

- برنامه افزایش استانداردهای بهداشتی با تأکید بر سه بیماری عفونی عمده-ایدز، مالاریا و سل؛
- گسترش فناوری‌های مناسب به لحاظ زیست-محیطی برای انرژی‌های قابل تجدید.

در کلیه این حوزه‌ها قصد بر این است که بخش خصوصی نیز در کنار دولت‌ها وارد عمل گردد. ژاپن آمادگی خود را برای کمک در زمینه گسترش فناوری اطلاعات و بهداشت اعلام کرده است، اما سایر کشورها هنوز اقدامی به عمل نیاورده‌اند.

ه- تماس بین گروه هشت و کشورهای «جنوب»

اجلاس سران گروه هفت همواره کوچک و محدود بوده است و رهبران آن نیز آن را همواره چنین می‌خواستند. در سال ۱۹۸۹ هنگامی که میتران که میزبانی اجلاس سران را بر عهده داشت، از آنان خواست تا با گروهی از دیگر رؤسای دولت‌ها که در آن زمان در پاریس حضور داشتند، ملاقات کنند، به مذاق آنان خوش نیامد. روس‌ها نیز گرچه در همان سال اولین تلاش‌های خود را برای پیوستن به اجلاس سران انجام دادند، اما تنها ده سال بعد بود که به عضویت کامل پذیرفته شدند. گروه هشت نسبت به ورود کشورهای دیگری مانند چین به جمع خود هنوز دچار شک و تردید است. با این حال، باید توجه داشت که جهانی شدن چهره جهان را تغییر داده است و گروه

عظیمی که حق اظهار نظر ندارند، تأثیر می‌گذارد. آنان از این سران گروه هشت بتوانند در زمینه کاستن از بدهی‌های کشورهای فقیرگام‌های بیشتری بردارند ناامید و سرخورده شده‌اند. بسیاری از مخالفان همچنین استدلال می‌کنند که تصمیمات تجاری گروه هشت، برای مثال، در زمینه تشویق کشورهای فقیر به گشودن بازارهای خود بر روی شرکت‌های چند ملیتی و تشویق مذاکرات تجارت آزاد احتمالاً موجب فقیر شدن بیشتر این کشورها خواهد شد. تعداد دیگری از مخالفان به قصور و کوتاهی کشورهای ثروتمند در زمینه نیل به توافقاتی درباره اهداف زیست محیطی به ویژه پس از تصمیم آمریکا به کنار کشیدن از پیمان تغییرات آب و هوایی اعتراض دارند. باید گفت که مخالفان گروه هشت را طیف وسیعی از گروه‌ها با ایدئولوژی‌های گوناگون تشکیل می‌دهند از گروه‌های سبز و طرفداران محیط زیست گرفته تا کمونیست‌های تندرو و حتی آنارشیست‌ها.

یکی از مخالفان جهانی شدن که در زمره مخالفان سرسخت گروه هشت نیز می‌باشد، مجمع اجتماع جهانی (WSF) است که خود از سازمان‌ها و گروه‌های مختلفی از سرتاسر جهان تشکیل شده است و هر ساله همزمان با برگزاری اجلاس داووس در سوئیس، اجلاسی در پورتوآلگره در برزیل برگزار می‌کند. پیش از برگزاری اجلاس ۲۰۰۱ گروه هشت در جنوا این مجمع با صدور بیانیه‌ای مواضع خود را در

مورد این اجلاس اعلام داشت. در این بیانیه آمده است: «جهانی که در آن تدارک اجلاس سران گروه هشت در جنوا را می‌بینند، جهانی است مملو از بی‌عدالتی‌های عمیق، به گونه‌ای که ۲۰ درصد از جمعیت جهان ۸۳ درصد از منابع کره زمین را هدر می‌دهند؛ ۱۱ میلیون کودک هر ساله بر اثر سوء تغذیه به هلاکت می‌رسند و ۷۳ میلیارد نفر با درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند.

این وضعیتی نیست که رو به بهبود باشد بلکه دائماً روبه وخامت دارد. اهمیت بین‌المللی این اجلاس چالشی برای کلیه سازمان‌هایی به وجود می‌آورد که از دیرباز - با روش‌ها و اولویت‌های گوناگون در راه اصول همبستگی اجتماعی و توسعه عادلانه و پایدار تلاش می‌کنند.

لازم است که با این چالش روبرو شد. ما باید همه با کمک یکدیگر به تبلیغ برنامه‌های گوناگونی بپردازیم که در ارتباط با اقدام در زمینه همکاری‌های بین‌المللی، حفاظت از محیط زیست، حفظ حقوق شهروندان و کارگران، ترویج الگوهای اقتصادی اخلاقی و مبتنی بر همبستگی، توسعه جوامع چند قومی و تأکید بر اصول و مبارزه علیه بی‌عدالتی با پشتیبانی سازمان‌های جامعه مدنی قرار دارند. کل این تجربیات باید عاملی در جهت رشد باشد و ابتکاراتی را برای ایجاد حساسیت نسبت به این وضعیت غیر قابل قبول و تقییح آن طراحی کند. ضروری است شیوه تفکر

جدیدی به منظور پاسخگویی به آن دسته از مدل‌های فرهنگی غالب پدید آورد که - از طریق درهم گسیختگی اجتماعی روزافزون - رفتارهایی را تحمیل می‌سازند که حتی مانع از درس‌پروردن رویای جامعه‌ای بهتر می‌گردد. اما جهانی متفاوت امکان‌پذیر است.

باید توجه سازمان‌های بین‌المللی را معطوف به این واقعیت کرد که جمعیت بیش از پیش آگاه‌تر و مصمم‌تری که خواستار فرآیندهای دموکراتیک و دسترسی به افق‌های جدید عدالت اجتماعی و اقتصادی هستند، باید به حساب آیند.

گروه‌ها و تشکلهایی که مبارزه بر ضد جهانی‌شدن را در دستور کار خود قرار داده‌اند تاکنون اقدام به برگزاری تظاهرات و اعتراضاتی در نقاط مختلف جهان کرده‌اند که نمونه‌های بارز آن عبارت بودند از برپایی گردهمایی‌ها و تظاهرات حین برگزاری اجلاس سازمان تجارت جهانی در سیاتل در سال ۱۹۹۹، اجلاس سران اتحادیه اروپا در نيس در دسامبر سال گذشته و در گوتنبرگ در ژوئن امسال و نیز هنگام برگزاری اجلاس داووس در ژانویه سال جاری.

در جنوا چه گذشت؟

در اجلاس سران در جنوا که از ۲۰ تا ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۱ برگزار گردید، موضوعاتی از قبیل عوارض گرم‌شدن کره زمین، ایجاد یک صندوق برای مبارزه با بیماری ایدز، بخشودگی بدهی‌های

کشورهای فقیر و مسائل خاورمیانه مورد بحث قرار داد. موضوعی که اجلاس سران گروه هشت در جنوا را تحت الشعاع خود قرار گرفت. تظاهرات گسترده‌ای بود که از سوی گروه‌های مخالف جهانی‌شدن برگزار شد. این تظاهرات به خشونت کشیده شد و طی آن یک جوان ایتالیایی ۲۳ ساله به هلاکت رسید.

در جریان اجلاس اختلاف نظرهایی به ویژه میان آمریکاییان و اروپاییان در زمینه مسائل مختلف وجود داشت از جمله در مورد پروتکل کیوتو که بار دیگر جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا مخالفت خود را با آن به دلیل گنجانده نشدن کشورهای در حال توسعه در آن اعلام کرد. این پروتکل با هدف کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای که منجر به گرم‌شدن کره زمین می‌گردد، تهیه و تدوین گردیده است. با این حال، در اعلامیه نهایی بدون اشاره به پروتکل کیوتو بر ضرورت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تأکید به عمل آمد. ژاپنی‌ها و اروپایی‌ها علاقه‌مندی فراوانی نسبت به اجرای پروتکل مزبور از خود نشان داده‌اند.

موضوع دیگری که اروپاییان و آمریکاییان در مورد آن اختلاف نظر داشتند، برگزاری دور جدیدی از مذاکرات تجارت جهانی بود. گرچه درباره این مذاکرات به طور مشخص و دقیق بحث نشد اما کشورهای اروپایی در چنین مذاکراتی بیشتر علاقه‌مند به حمایت از منافع کشاورزی خود هستند در حالی که آمریکاییان حمایت از صنایع فولاد و دیگر محصولات

است که منجر به منتفع گردیدن این کشورها از فرآیند جهانی شدن شود، تظاهرکنندگان مخالف جهانی شدن در خارج از محل برگزاری اجلاس اعلام می‌داشتند که جهانی شدن و آزاد شدن و افزایش مبادلات تجاری باعث فقیرتر شدن کشورهای فقیر شده است. در پایان اجلاس جنواتصمیم گرفته شد که از شمار افراد هیأت‌های شرکت کننده در اجلاس آتی که قرار است در کانادا برگزار گردد کاسته شود تا اتخاذ تدابیر امنیتی برای حفظ جان آنها آسان‌تر گردد.

گروه هشت به مثابه مرکز مدیریت جهانی

گروه هشت به عنوان محفلی که در آن سران قدرتمندترین کشورهای جهان گرد هم می‌آیند و با بررسی مسائل اقتصادی و سیاسی متبلا به جهان سعی در ارائه راهکارها و خط مشی‌هایی در جهت جلوگیری از وقوع بحران‌های آتی می‌کنند از ظرفیت بالقوه‌ای برای تبدیل به یک مرکز مدیریت جهانی برخوردار است. چنان‌که گفته شد شواهد زیادی دلالت بر نهادینه شدن بیش از فعالیت‌های این گروه دارد. تصمیماتی که در جریان اجلاس‌های این گروه آغاز اتخاذ می‌شود در بسیاری از موارد رژیم‌های بین‌المللی به وجود آورده‌اند و به ویژه به لحاظ نتیجه‌گیری پیرامون سرنوشت جهان بشریت است.

صنعتی خود را در اولویت قرار می‌دهند. در مورد طرح دفاع موشکی نیز گرچه در اعلامیه پایانی ذکری به عمل نیامد، اما در گفتگوی‌های دو جانبه‌ای که جرج دابلیو بوش با سران کشورهای اروپایی داشت، اروپاییان مخالفت خود را با زیر پا نهادن پیمان موشک‌های ضد بالستیک سال ۱۹۷۲ اعلام کردند و ادعای بوش مبنی بر این که پیمان مزبور متعلق به دوران جنگ سرد است را نپذیرفتند.

نکته مهمی که در این اجلاس در مورد آن توافق شد ایجاد یک صندوق جهانی با سرمایه‌ای معادل ۱/۲ میلیارد دلار برای مبارزه با ایدز و دیگر بیماری‌های عفونی به ویژه در آفریقا بود.

در مورد مسائل خاورمیانه نیز رهبران گروه هشت از استقرار ناظران مستقل برای حفظ صلح میان طرف‌های درگیر و نیز از اجرای فوری پیشنهادهای مطرح شده در گزارش میچل حمایت کردند، سناتور میچل در گزارش خود خواستار پایان دادن به خشونت‌ها، کنترل اقدامات خشونت‌آمیز مبارزان فلسطینی توسط حکومت خودگردان و متوقف ساختن احداث شهرک‌های یهودی نشین در کرانه غربی و غزه شده بود.

در این میان مسئله قابل توجه عبارت از این بود که در حالی که رهبران کشورهای صنعتی بزرگ اعتقاد داشتند که دستور کار آنهادر جهت کمک به کشورهای فقیر و وارد ساختن آنها در اقتصاد جهانی واتخاذ تدابیری